

## کلمات جدید درس اول

**allow** /ə'laʊ/ v. **اجازه دادن (به)**

*I don't allow my life to be influenced by television.*

من اجازه نمی‌دهم که زندگی‌ام توسط تلویزیون تحت تأثیر قرار گیرد.

**among** /ə'mʌŋ/ prep. **در (بین)، در (میان)**

*The disease is common among young people.*

این بیماری در میان افراد جوان متداول (عاری) است.

**at the end of** **در پایان**

*At the end of the experiment, they wanted to have a television back in their home.*

در پایان آزمایش، آن‌ها خواستند که تلویزیون به خانه‌هایشان برگردد.

**average** /'ævərɪdʒ/ adj. **متوسط**

*My brother is average. He is about 170 centimeters.*

(قد) برادرم متوسط است. حدود ۱۷۰ سانتی‌متر است.

**average** /'ævərɪdʒ/ n. **میانگین، معدل**

*Your average was very low last year.*

سال گذشته معدل شما خیلی پایین بود.

**be careful about** **مراقب ... بودن، مواظب ... بودن**

*Be careful about what you say to her.*

مراقب آنچه به او می‌گویی باش.

**be interested in** **به ... علاقه داشتن، به ... علاقه‌مند بودن**

*They were not interested in television at all.*

آن‌ها اصلاً به تلویزیون علاقه نداشتند.

**behave** /bi'herv/ v. **رفتار کردن**

*They behaved very kindly towards me.*

آن‌ها خیلی با مهربانی با من رفتار کردند.

**case** /keɪs/ n. **مورد**

*Children's eyesight improved in several cases.*

در چندین مورد بینایی بچه‌ها بهبود یافت.

**certain** /'sɜ:rtɪn/ adj. **۱ - معین، مشخص ۲ - مطمئن**

*They watch only certain programs.*

آن‌ها فقط برنامه‌های معینی را تماشا می‌کنند.

**channel** /'tʃænl/ n. **تلویزیون [کانال]**

*In some countries, there are many TV channels.*

در برخی کشورها، کانال‌های تلویزیونی زیادی وجود دارد.

**choice** /tʃɔɪs/ n. **انتخاب**

*It is very difficult for me to make a choice.*

انتخاب کردن برای من بسیار دشوار است.

**choose** /tʃu:z/ v. **انتخاب کردن**

*Most viewers chose this program.*

اکثر بینندگان این برنامه را انتخاب کردند.

**colorful** /'kʌlərfʊl/ adj. **رنگارنگ، رنگین**

*He bought a colorful dress for his daughter.*

او برای دخترش یک لباس رنگارنگ خرید.

**continue** /kən'tɪnju:/ v. **۱ - ادامه دادن ۲ - ادامه یافتن**

*They found that family life simply could not continue without TV.*

آن‌ها متوجه شدند که زندگی خانوادگی ابراً نمی‌تواند بدون تلویزیون ادامه یابد.

**daily** /'deɪli/ adj. **روزانه**

*Some parents were glad to end the daily struggle.*

برخی از والدین خوشحال بودند که به نزع روزانه پایان می‌دهند.

**effect** /ɪ'fekt/ n. **تأثیر، اثر**

*Watching TV can have bad effects on our eyes.*

تماشای تلویزیون می‌تواند تأثیرات بدی روی چشم‌های ما داشته باشد.

**end** /end/ v. **پایان دادن (به)**

*We ended our holiday in France with a trip to Paris.*

ما تعطیلاتمان در فرانسه را با سفری به پاریس پایان دادیم.

**except** /ɪk'sept/ prep. **(به) جز**

*I haven't had anything for two days except some watery soup.*

دو روز است که هیچ چیز جز مقدار کمی سوپ آبکی نفورده‌ام.

**experiment** /ɪk'sperɪmənt/ n. **آزمایش**

*They are doing experiments in the laboratory.*

آن‌ها دارند در آزمایشگاه آزمایش انجام می‌دهند.

**eyesight** /'aɪsaɪt/ n.

بینایی

Television has a bad effect on children's **eyesight**.

تلویزیون تأثیر بدی بر بینایی بچه‌ها دارد.

**front** /frʌnt/ n.

۱ - جبهه، خط مقدم ۲ - جلو

His son has been **at the front** for two years.

پسرش دو سال در جبهه پورده است.

**future** /'fju:tʃər/ n.

آینده

Nobody knows what will happen **in the future**.

هیچ‌کس نمی‌داند در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد.

**get sb away from**

کسی را از ... دور کردن

A big problem is **getting the children away from** the TV.

دور کردن بچه‌ها از تلویزیون مشکل بزرگی است.

**harmful** /'hɑ:rmfəl/ adj.

مضر

Smoking is **harmful** to your health.

سیگار کشیدن برای سلامتی شما مضر است.

**holiday** /'hɑ:lɪdeɪ/ n.

روز تعطیل، تعطیلی

Many people don't work **on holidays**.

بسیاری از مردم در روزهای تعطیل کار نمی‌کنند.

**housewife** /'hauswaɪf/ n.

خانم خانه‌دار، (زن) خانه‌دار

**Housewives** are the biggest group of TV viewers.

خانم‌های خانه‌دار بزرگ‌ترین گروه بینندگان تلویزیون هستند.

**how often** /hau 'ɔ:fən/ adv.

چند وقت به چند وقت

**How often** do you go to the dentist?

چند وقت به چند وقت نزد دندانپزشک می‌روید؟

**husband** /'hʌzbənd/ n.

شوهر

Where does your **husband** come from?

شوهرت اهل کجاست؟

**improve** /ɪm'pru:v/ v.

بهبود کردن، بهبود بخشیدن

Your English **has improved** a lot recently.

افیراً انگلیسی شما خیلی بهتر شده است.

**influence** /'ɪnfluəns/ v.

تحت تأثیر قرار دادن، بر ... اثر گذاشتن

TV programs can **influence** our live.

برنامه‌های تلویزیون می‌تواند بر زندگی ما اثر بگذارد.

**movie** /'mu:vi/ n.

فیلم

Have you watched any good **movies** on TV recently?

آیا اخیراً هیچ فیلم خوبی از تلویزیون تماشا کرده‌ای؟

**observation** /,ə:bzə'veɪʃən/ n.

مشاهده

Several interesting **observations** were reported.

چندین مشاهده‌ی جالب گزارش شد.

**once** /wʌns/ adv.

۱ - یک‌بار ۲ - یک وقتی

Hamid has chemistry **once a week**.

همید هفته‌ای یک بار شیمی دارد.

**out at work** /aʊt æt wɜ:rk/

بیرون سر کار

She watched TV while her husband was **out at work**.

او هنگامی که شوهرش بیرون سر کار بود تلویزیون تماشا می‌کرد.

**period** /'piəriəd/ n.

دوره، مدت

Don't sit at a computer for long **periods**.

برای مدت طولانی پشت رایانه ننشین.

**powerful** /'paʊərfəl/ adj.

قدرتمند، قوی

My brother has **powerful** arms and legs.

برادر من دست و پاهای قدرتمندی دارد.

**practice** /'præktɪs/ n.v.

۱ - تمرین ۲ - تمرین کردن

I'm sure that **practice** will improve your average.

مطمئن هستم که تمرین معدل شما را بهتر خواهد کرد.

**pressure** /'preʃər/ n.

فشار

Dinner times were more relaxed without the **pressure** of TV.

بدون فشار تلویزیون اوقات (صرف) غذا آرام‌تر بود.

**probably** /'pra:bəbli/ adv.

شاید، احتمالاً

That's **probably** a good idea.

شاید فکر خوبی باشد.

**recent** /'ri:sənt/ adj.

اخیر، جدید

A **recent** research showed that the average person spent three hours a day watching TV.

یک تحقیق اخیر نشان داد که یک شخص معمولی سه ساعت و نیم را در روز صرف

تماشای تلویزیون می‌کند.

**recently** /'ri:səntli/ adv.

اخیراً

She's been on holiday **recently**.

او اخیراً در تعطیلات بوده است.

**relax** /rɪ'læks/ v.

استراحت کردن، آسودن

They usually stay at home and **relax** on holidays.

آن‌ها در روزهای تعطیل معمولاً در خانه می‌مانند و استراحت می‌کنند.

**relaxed** /rɪ'læksd/ adj.

آرام، آسوده، راحت

When he saw his son on TV, he was quite **relaxed**.

وقتی پسرش را در تلویزیون دید کاملاً آسوده شد.

**research** /rɪ'sɜ:rtʃ/ n.

تحقیق

She's doing **research** on animal's behaviour.

او در حال تحقیق درباره‌ی رفتار حیوانات است.

**researcher** /rɪ'sɜ:rtʃə/ n.

محقق

The **researchers** wanted to know how families would behave if they did not watch TV.

محققین می‌خواستند بدانند چنانچه خانواده‌ها تلویزیون تماشا نکنند چگونه رفتار خواهند کرد.

**single** /'sɪŋɡəl/ adj.

تک، منفرد

Some channels show only a **single** type of program.

بعضی کانال‌ها فقط یک نوع برنامه را نشان می‌دهند.

**skill** /skɪl/ n.

مهارت

What **skills** do you need for this job?

چه مهارت‌هایی برای این شغل نیاز دارید؟

**sport** /spɔ:rt/ n.

ورزش

Football, swimming and tennis are all **sports**.

فوتبال، شنا و تنیس همگی ورزش هستند.

**stay (at)** /steɪ/ v.

(در ... ماندن، (در ... اقامت کردن

You look very tired. You should **stay at** home and rest.

خسته به نظر می‌رسی. باید در خانه بمانی و استراحت کنی.

**struggle** /'strʌɡəl/ n.

نزاع، دعوا

They could end their **struggle** by not watching TV.

آن‌ها توانستند با تماشا نکردن تلویزیون به نزاع‌شان پایان ببرند.

**struggle** /'strʌɡəl/ v.

نزاع کردن

When they **struggle** on TV programs, I turn off the TV.

وقتی آن‌ها بر سر برنامه‌های تلویزیون نزاع می‌کنند، تلویزیون را خاموش می‌کنم.

**successfully** /sək'sesfəli/ adv.

با موفقیت

He completed his studies **successfully**.

او با موفقیت تحقیقاتش را تمام کرد.

**take a test**

امتحان دادن

She is going to **take** her driving **test**.

او قصد دارد امتحان رانندگی‌اش را ببرد.

**television set** /'telɪvɪʒən set/

دستگاه تلویزیون

Today there is a **television set** in almost every house.

امروزه تقریباً در هر خانه‌ای یک دستگاه تلویزیون وجود دارد.

**theater** /'θɪətə/ n.

تئاتر

A building where you go to see plays is a **theater**.

سافتمانی که برای دیدن نمایش می‌روید تئاتر است.

**twice** /twais/ adv.

۱ - دو بار ۲ - دو برابر

"How often do you have biology?" "Twice a week."

«چند وقت به چند وقت زیست‌شناسی دارید؟» «هفته‌ای دو بار.»

**type** /taɪp/ n.

نوع

What **type** of music do you like?

چه نوع موسیقی را دوست دارید؟

**university** /ju:nɪvɜ:rsiti/ n.

دانشگاه

My sister is **at university** studying Chemistry.

فواهرم در دانشگاه شیمی می‌خواند.

**unusual** /ʌn'ju:ʒəl/ adj.

عجیب، غیر عادی

An **unusual** experiment was done recently.

اخیراً آزمایش عجیبی انجام گرفت.

**viewer** /'vju:ə/ n.

بیننده

Most channels give the **viewer** a lot of choices.

بیشتر کانال‌ها به بیننده انتخاب‌های زیادی می‌دهند.

**weak** /wi:k/ adj.

ضعیف

I feel so **weak**; I haven't had anything for two days.

من خیلی احساس ضعف می‌کنم؛ دو روز است که هیچ چیز نخورده‌ام.

**wonderful** /'wʌndəfəl/ adj.

حیرت‌انگیز، تعجب‌آور

The child's skill in reading is **wonderful** for his age.

مهارت آن بچه در خواندن نسبت به سنش حیرت‌انگیز است.

**worried** /'wɜ:rid/ adj.

نگران

Mr Hamidi was very **worried about** his son.

آقای حمیدی خیلی نگران پسرش بود.



## گرامر درس اول

## Noun Clauses

## بند یا جمله‌واره اسمی

بند اسمی بندی است که در جمله مانند اسم عمل کرده و نقش‌های اسم را می‌پذیرد.

بند اسمی با کلمات پرسشی شروع می‌شود:

who	چه کسی	when	چه موقع	whose	مال چه کسی
whom	چه کسی را	what time	چه ساعتی	how many	چه تعداد
which	کدام، کدام یک	where	کجا	how much	چه مقدار
what	چه چیزی	why	چرا	how	چه‌طور، چگونه

یادآوری در جمله‌های سؤالی که با کلمات پرسشی شروع می‌شوند، بعد از کلمات پرسشی ساختار سؤالی داریم:

Where <u>is</u> <u>Ali</u> ?	علی کجاست؟	What did <u>he</u> say?	او چه گفت؟
فاعل فعل to be		فاعل فعل کمکی	

نکته ۱ اما در بند اسمی، بعد از کلمات پرسشی، ساختار خبری داریم.

I know <u>where Ali is</u> .	می‌دانم علی کجاست.	I don't remember <u>what he said</u> .	به‌فاطم نمی‌آورم او چه گفت.
بند اسمی		بند اسمی	
فاعل فعل to be		فاعل فعل	
“When <u>does he travel to Shiraz</u> ?”	جمله‌ی سؤالی	“We don't know <u>when he travels to Shiraz</u> .”	جمله‌ی خبری

«او چه موقع به شیراز مسافرت می‌کند؟» «ما نمی‌دانیم او چه موقع به شیراز مسافرت می‌کند.»

نکته ۲ در بند اسمی، جمله‌واره‌ی قبل چه سؤالی باشد چه خبری، بعد از کلمات پرسشی، فقط ساختار خبری به کار می‌رود.

در جمله‌ی زیر، علامت سؤال مربوط به جمله‌واره‌ی اول (Do you know ...?) است:

Do you know <u>where the bus-stop is</u> ?	آیا می‌دانی ایستگاه اتوبوس کجاست؟
بند اول بند اسمی	

### Future Tense with “be going to”

#### زمان آینده با “be going to”

ساختار “be going to” (به معنی قصد داشتن) به صورت زیر، برای بیان آینده‌ی قطعی به کار می‌رود:

..... + شکل ساده‌ی فعل + going to + {am, is, are} + فاعل

نکته ۱ بعد از “be going to”، شکل ساده‌ی فعل به کار می‌رود:

He's going to <u>sell</u> his car next month.	او قصد دارد ماه بعد ماشینش را بفروشد.
شکل ساده‌ی فعل	
⇒ Is he going to <u>sell</u> his car next month?	آیا او قصد دارد ماه آینده ماشینش را بفروشد؟
⇒ He isn't going to <u>sell</u> his car next month.	او قصد ندارد ماه آینده ماشینش را بفروشد.

**نکته ۲** قیدهای زمان آینده (tomorrow , next week , soon و ...) با ساختار "be going to" به کار می‌روند.

### کاربرد "be going to":

۱- برای بیان قصد و تصمیم انجام عملی در آینده:

👉 I am going to buy a house tomorrow. قصد دارم فردا یک خانه بخرم.

۲- برای بیان پیش‌بینی عملی در آینده که نشانه‌هایی از وقوعش در زمان حال وجود دارد:

👉 Look at the cloudy sky. It is going to rain. به آسمان ابری نگاه کن. می‌فواهد باران ببارد.

### مرتب کردن کلمات (جمله‌سازی)

در زبان انگلیسی چنانچه یک فاعل و یک فعل داشته باشیم، ساختار ترتیب کلمات در جمله‌ی خبری به صورت زیر است:

He often studies English carefully in the library on Sundays.

قید زمان    قید مکان    قید حالت    مفعول    فعل    قید تکرار فاعل

۱- اما مرتب کردن کلمات در جمله‌ی دارای بند اسمی که در بین کلمات داده شده دو فاعل، دو فعل (که یکی از آنها know, remember و...) و یک کلمه‌ی پرسشی داریم، در دو مرحله به صورت زیر انجام می‌دهیم:

مرحله اول

مرحله دوم

I know / remember / ... ⇒ خبری

I don't know / remember / ... ⇒ منفی

Do you know / remember / ...? ⇒ سؤالی

+

... + فعل + فاعل + کلمه‌ی پرسشی  
ساختار خبری

he – you – do – know – where – works ?

با توجه به این که در جمله دو فاعل (he, you)، دو فعل (که یکی از آنها know است) و کلمه‌ی پرسشی (where) داریم، با بند اسمی سروکار داریم و در دو مرحله، کلمه‌ها را مرتب می‌کنیم:

• در بند اول با توجه به علامت سؤال، با استفاده از فعل know، بند Do you know می‌سازیم.

• در بند اسمی هم با استفاده از کلمه‌ی پرسشی where، بند اسمی where he works می‌سازیم.

👉 Do you know where he works? آیا می‌دانید او کجا کار می‌کند؟

۲- در مورد ساختار «be going to» نیز که در بین کلمات داده شده، سه فعل ۱- فعل (am / is / are) to be ۲- going ۳- شکل ساده‌ی فعل و to داریم، در دو مرحله، کلمات داده شده را مرتب می‌کنیم:

مرحله اول

مرحله دوم

I	{	am	}	going to
he / she / it		is		
you / we / they		are		

یا شکل سؤالی و منفی آنها

+

... + (مفعول) + شکل ساده‌ی فعل

are – wash – their – to – they – going – tomorrow – car?

با توجه به این که در جمله سه فعل ۱- فعل (are) to be ۲- going ۳- شکل ساده‌ی فعل (wash) و to داریم، با ساختار be going to سروکار داریم و در دو مرحله کلمه‌ها را مرتب می‌کنیم:

• قسمت اول جمله را با استفاده از فعل (are) to be و going to، با توجه به علامت سؤال، به صورت زیر می‌نویسیم:

Are they going to ...

• قسمت دوم جمله را با استفاده از شکل ساده‌ی فعل (wash) که بعد از "be going to" می‌آید، به صورت زیر کامل می‌کنیم:

... wash their car tomorrow ...

قید زمان    مفعول    شکل ساده‌ی فعل

👉 Are they going to wash their car tomorrow? آیا آنها قصد دارند فردا ماشین‌شان را بشویند؟



### شکل صحیح کلمات

دو نکته‌ی مهم درباره‌ی صفت:

**نکته ۱** با اضافه کردن (ful) یا (y) به برخی از اسم‌ها، می‌توانیم آن‌ها را به صفت تبدیل کنیم:

صفت  $\rightarrow \begin{cases} ful \\ y \end{cases} + \text{اسم}$

rain	باران	→	rainy	بارانی	care	دقت	→	careful	با دقت، مراقب
sun	خورشید	→	sunny	آفتابی، آفتاب‌گیر	color	رنگ	→	colorful	رنگی، رنگارنگ
water	آب	→	watery	آبکی	power	نیرو	→	powerful	قوی، قدرتمند
cloud	ابر	→	cloudy	ابری	wonder	تعجب	→	wonderful	حیرت‌انگیز، تعجب‌آور، عالی
snow	برف	→	snowy	برفی	harm	ضرر، زیان	→	harmful	مضر، زیان‌آور

**نکته ۲** جایگاه صفت در جمله:

۱- قبل از اسم:

an angry man  
صفت اسم

یک مرد عصبانی

a rainy day  
صفت اسم

یک روز بارانی

۲- بعد از افعال ربطی:

to be (be, am, is, are, was, were) بودن  
become, get, grow شدن  
look, seem, appear به نظر رسیدن

smell بوی ... دادن  
taste مزه‌ی ... داشتن  
feel احساسی ... کردن، بودن

He looked angry.  
صفت فعل ربطی

او عصبانی به نظر می‌رسید.

It was rainy yesterday.  
صفت فعل ربطی

دیروز هوا بارانی بود.

### نقش‌های زبان (مکالمه)

**توجه** جهت پاسخ دادن به سؤال‌های این بخش عبارت‌ها و مکالمه‌های زیر را یاد بگیرید:

how often	چند وقت به چند وقت، (هر) چند وقت یک‌بار	three times a month	ماهی سه بار
once a week	هفته‌ای یک بار، یک بار در هفته	four times a day	روزی چهار بار
twice a week	هفته‌ای دو بار، دو بار در هفته	five times a year	سالی پنج‌بار

A: How often do you go to the dentist?

A: چند وقت به چند وقت نزد دندانپزشک می‌روید؟

B: Oh, I go about once a year.

B: اوه، تقریباً سالی یک بار می‌روم.

A: Really? I like to go every six months.

A: واقعاً؟ من دوست دارم هر شش ماه بروم.

B: That's probably a good idea.

B: شاید فکر خوبی باشد.

A: How often does Hamid have biology?

A: حمید چند وقت به چند وقت زیست‌شناسی دارد؟

B: Oh, three times a week. Every Saturday, Monday and Thursday.

B: اوه، سه بار در هفته. هر شنبه، دوشنبه و پنج‌شنبه.

A: And what about math?

A: و ریاضی چه‌طور؟

B: Twice a week. Every Saturday and Monday.

B: دو بار در هفته. هر شنبه و دوشنبه.

A: How often does he have chemistry?

A: چند وقت به چند وقت شیمی دارد؟

B: Once a week. Only on Sundays.

B: هفته‌ای یک بار. فقط یکشنبه‌ها.

## تلفظ

**s** یا **es** پایان کلمات سه تلفظ متفاوت دارد:

- اگر آخر کلمه‌ای صدای /p/، /f/، /k/، /t/ یا /θ/ (پ، ف، ک، ت یا ث) بدهد، **s** یا **es** پایانی به صورت /s/ تلفظ می‌شود. جهت تسهیل در به خاطر سپردن، کلمه‌ی پفک تث بسازید.

مثال‌های کتاب درسی: roofs – maps – keeps – works – books – mats – tapes – writes – coughs – cakes

**توجه** حرف آخر (write، tape، cough و cake) e و h می‌باشد. ولی باید توجه داشت که در تلفظ، با صدای پایانی سر و کار داریم و نه حرف پایانی. صدای پایانی این چهار حرف به ترتیب (/p/، /t/، /f/ و /k/) می‌باشد. مثال‌های بیش‌تر از امتحان نهایی:

weeks – students – makes – sports – groups – effects – cassettes – cups – beliefs – plates – visits – notes – eats  
pots – puts – cats – looks – marks – picks – stops – boots – likes

- اگر آخر کلمه‌ای صدای /s/، /ʃ/، /z/، /ʒ/، /tʃ/ یا /dʒ/ (س، ش، ز، ژ، چ یا ج) بدهد، **es** پایانی کلمه به صورت /ɪz/ تلفظ می‌شود. جهت تسهیل در به خاطر سپردن، به نقطه‌ها توجه کنید: ش چ ژ یا کلمه‌ی سجز بسازید.

مثال‌های کتاب درسی: teaches – dishes – finishes – places – uses

**توجه** صدای آخر کلمه‌های بالا (نه حرف پایانی آن‌ها) به ترتیب چ، ش، ش، س و ز می‌باشد.

مثال‌های بیش‌تر از امتحان نهایی: (در کلمه‌ی box صدای آخر **s** و **g** در change، garage و bridge صدای **ج** می‌دهد)

exercises – choices – houses – changes – cases – glasses – influences – buses – boxes – benches – garages  
bridges – passes – washes – matches – watches

- در بقیه‌ی موارد **s** یا **es** پایانی به صورت /z/ تلفظ می‌شود.

مثال‌های کتاب درسی: pens – schools – teachers – foes

مثال‌های بیش‌تر از امتحان نهایی: (g در thing، leg و bag صدای **گ** می‌دهد.)

holidays – sons – girls – times – leaves – hours – countries – news – letters – husbands – things – legs  
days – trees – goes – gives – medals – clouds – dies – dogs – pictures – rooms – finals – rains – farms  
jobs – runs – walls – cows – repairs – learns – calls – games – bags

## املا

در بخش املا باید ۱۶ کلمه‌ی ناقص در ۸ جمله که یک یا دو حرف از آن‌ها حذف شده را به طور کامل بازنویسی کنید. توجه داشته باشید که حذف حرف(ها) تصادفی نیست بلکه در سؤال استاندارد مانند سؤالات هماهنگی کشوری حذف حرف(ها) معمولاً به صورت زیر می‌باشد:

- دو حرف یکسان پشت سر هم که حرف اول، دوم یا هر دو حرف حذف می‌شود.

مثلاً کلمه‌ی effect ممکن است به صورت مقابل از آن سؤال طرح شود:

e\_fect      ef\_ect      e\_\_ect

- حرف یا حروفی که تلفظ نمی‌شوند. (r در تلفظ انگلیسی بریتانیایی در یک هجا، بعد از حروف صدادار (مصوت‌ها)، تلفظ نمی‌شوند.)

مثلاً کلمه‌ی eyesight ممکن است به صورت مقابل از آن سؤال طرح شود:

eyesig\_t      eyesi\_ht      eyesi\_\_t

- حرف یا حروفی که به شکل دیگری تلفظ می‌شوند.

مثلاً کلمه‌ی future ممکن است به صورت مقابل از آن سؤال طرح شود:

fu\_ure      fut\_r\_      fu\_\_re

با توجه به این که در بقیه‌ی موارد، حروف به همان صورت نوشته شده تلفظ می‌شود، چنان چه حرفی حذف شود تشخیص آن راحت است.

مثلاً در کلمه‌ی future چنان چه حرف f یا u حذف شود تشخیص آن راحت است.

allow – average – interested – behave – case – certain – channel – choice – choose – colorful – continue  
daily – except – experiment – harmful – holiday – housewife – often – once – improve – influence – theater  
movie – music – suitable – health – observation – period – powerful – practice – pressure – probably  
recent – relaxed – researcher – single – skill – sport – struggle – stay – successfully – television – twice – type  
unusual – viewer – weak – wonderful – worry



## سؤالات امتحانی

## A : SPELLING

املا

۱ - کلمات ناقص را به‌طور کامل بازنویسی کنید.

1. An exp – riment showed that several families could live without TV in a certain peri – d. (شهریور ۹۰)
2. Without the pres – – re of TV, children were relaxed and their eyesi – – t improved a lot. (فرورداد ۸۹ و ۸۱)
3. More than h – ndreds of millions of vie – ers follow their countries' fortunes on TV. (شهریور ۸۹)
4. They said in f – t – re they would watch only cert – in programs. (فرورداد ۸۸)
5. Watching too much TV may have a bad ef – ect on your eyes – ght. (فرورداد ۸۶)
6. You can improve your aver – ge if you pra – tice hard. (شهریور ۸۶)
7. They str – g – le on TV programs. Dinner times are relaxed without the pres – ure of TV. (شهریور ۸۶)
8. Some TV chan – els show only a s – ngle type of program. (دی ۸۶)
9. There are a lot of the – ters in Tehran. So people have a wide cho – – e. (فرورداد ۸۵ و ۸۰)
10. It is not a s – it – ble program. It can have a bad influen – e on children. (فرورداد ۸۴)
11. Her av – rage is low. She is wor – ied about it. (شهریور ۸۳)
12. You should rest to improve your he – lth. Can TV programs infl – en – e our lives? (شهریور ۸۳)

## B : VOCABULARY

واژگان

۲ - با استفاده از کلمات داده شده، جملات زیر را کامل کنید. (یک کلمه اضافی است).

*average – choice – pressure – struggle – allow – worried – experiment – eyesight – influence*

13. We do not ..... people to smoke anywhere in the building. (فرورداد ۹۰)
14. They are doing a(n) ..... to find out the reason for the illness. (فرورداد ۸۹)
15. When her sisters ..... on TV programs, she turns off the TV. (فرورداد ۸۸)
16. Her ..... was very low. She studied harder and improved it. (فرورداد ۸۷)
17. The ..... of the city life forced him to work day and night. (فرورداد ۸۶)
18. If you are ..... about your final exams, you should study harder. (فرورداد ۸۵)
19. Parents should be careful about their children's ..... . (دی ۸۵)
20. The film about the war had a good ..... on its viewers. (دی ۸۵)





*improve – choose – effect – relaxed – certain – struggle – influenced – period – suitable*

21. The long ..... between two countries has continued for ten years. (شهریور ۹۰)
22. Talking on the phone for a long time has a bad ..... on your ears. (فرورداد ۸۹)
23. Today many people believe that technology can ..... our daily lives. (شهریور ۸۹)
24. You should ..... just three questions from the exam paper to answer. (شهریور ۸۹)
25. I think winter is not a ..... time for swimming in the sea. (شهریور ۸۵)
26. “What did your father do last Friday?” “He stayed at home and ..... .” (فرورداد ۸۴)
27. “Are all plants good to eat?” “No, ..... plants are good for eating.” (فرورداد ۸۲)
28. You shouldn’t allow your life to be ..... by football. (فرورداد ۸۱)

۳- شکل صحیح کلمات داخل پرانتز را در جاهای خالی بنویسید.

29. He looked around, but the streets were empty, and the sky was ..... (cloud) (فرورداد ۹۰)
30. He is a ..... person, so he can help you to move the table. (power) (شهریور ۹۰)
31. Eating too much chocolate is ..... to your teeth. (harm) (فرورداد ۸۹)
32. He is a great writer. His new story is really ..... (wonder) (شهریور ۸۹)
33. I would like to walk in a ..... morning like today. (snow) (دی ۸۹)
34. It was dry for two days, but today it is ..... (rain) (فرورداد ۸۸)
35. I don’t like to stay at home in a ..... afternoon like this. (sun) (فرورداد ۸۶)
36. She does everything very well. She is very ..... (care) (دی ۸۶)
37. Gardens are ..... in spring and summer. (color) (فرورداد ۸۵)
38. Last night I had only some ..... soup. (water) (شهریور ۸۴)

۴- جمله‌های زیر را با نوشتن یک کلمه‌ی مناسب کامل کنید.

39. A married woman who works at home doing the cooking, cleaning etc, but does not have a job outside the house is called a(n) ..... (فرورداد ۹۰)
40. My sister and I watch cartoons on ..... two every evening together. (شهریور ۸۹)
41. You have to make a ..... between the two hats. You can choose only one of them. (دی ۸۸)
42. Watching too much TV may have a bad ..... on children’s eyesight. (فرورداد ۸۷)
43. A place in which films are shown is a/an ..... (فرورداد ۸۵)
44. A person who watches television programs is called a TV ..... (فرورداد ۸۵)
45. She stays at home and relaxes in her ..... time. (شهریور ۸۵)
46. Our television didn’t work. So we bought a new television ..... (فرورداد ۸۳)
47. A TV program won’t have many ..... if it is not interesting. (فرورداد ۸۳)
48. The ability to see is called ..... (فرورداد ۸۳)



# C : S T R U C T U R E

## گرامر

۵- پاسخ صحیح را از بین گزینه‌های پیشنهاد شده انتخاب کنید.

49. Does Ali know whom ..... at the meeting yesterday? (شهریور ۹۰)  
 a) they met                      b) they meet                      c) do they meet                      d) did they meet
50. Mina usually drinks milk for breakfast. Today she ..... coffee for breakfast. (فرورداد ۸۹)  
 a) was going to drink                      b) is going to drink                      c) had drunk                      d) has drunk
51. "What is she cooking right now?" "I don't know what ..... ." (فرورداد ۸۹)  
 a) she cooks                      b) does she cook                      c) is she cooking                      d) she is cooking
52. Do you know why ..... the game yesterday? (دی ۸۸)  
 a) did our team lose                      b) our team lose                      c) our team lost                      d) lost our team
53. "Have you brushed your teeth?" "Not yet. I ..... them later." (دی ۸۸)  
 a) have brushed                      b) brushed                      c) had brushed                      d) am going to brush
54. "What is your plan for the weekend?" "I ..... at home." (فرورداد ۸۸)  
 a) had to rest                      b) would rest                      c) am going to rest                      d) have rested
55. "Where do they visit him?" "I don't know where ..... him." (فرورداد ۸۷)  
 a) do they visit                      b) did they visit                      c) they visit                      d) they visited
56. "Your shoes are dirty." "Yes, I know. I ..... them soon." (فرورداد ۸۶)  
 a) would clean                      b) have cleaned                      c) am going to clean                      d) had to clean
57. "How long will she stay?" "We don't know how long ..... ." (دی ۸۴)  
 a) she will stay                      b) will she stay                      c) she would stay                      d) would she stay
58. "When does she leave home?" "We don't know when ..... home." (فرورداد ۸۵)  
 a) she leaves                      b) did she leave                      c) she left                      d) does she leave
59. "Where did he put the keys?" "He couldn't remember where ..... them." (دی ۸۴)  
 a) did he put                      b) he puts                      c) had he put                      d) he put
60. Look at the cloudy sky. It ..... soon. (فرورداد ۸۳)  
 a) has rained                      b) rains                      c) is going to rain                      d) is raining

۶- با هر گروه از کلمه‌های زیر یک جمله‌ی کامل بنویسید.

61. for – he – have – a sandwich – going – lunch – to – is. (دی ۸۹)
62. repair – to – is – going – his – on Friday – my father – car. (شهریور ۸۴)
63. remember – what – I – he – said – don't. (فرورداد ۸۱)
64. know – when – his – I – meet – uncle – he – don't – will. (فرورداد ۸۴)
65. are – how many – boil – going – eggs – you – to – breakfast – for?
66. you – where – do – written – know – he – letter – has – this?

۷- بر اساس جمله‌های داده شده، جملات ناقص را کامل کنید.

67. "Where should the English sentence be written?"

(فرورداد ۹۰)

"We don't know ....."

68. "What did she say to her brother last night?"

(شهریور ۸۹)

"I don't remember ....."

69. "Where does your friend work?"

(فرورداد ۸۸)

"I don't know ....."

70. "Why did your sister like that job?"

(فرورداد ۸۶)

"I don't know ....."

71. "Whom did your mother invite to the party?"

(دی ۸۵)

"I don't know ....."

72. "When will Ali meet his uncle?"

(فرورداد ۸۴)

"I don't know ....."

73. What is he going to do?



۸- با توجه به تصاویر، به سؤالات زیر پاسخ کامل دهید.

(فرورداد ۹۰)

74. How is he going to travel to Tabriz?



(شهریور ۹۰ و فرورداد ۸۴)

75. What are the girls going to do?



(شهریور ۸۹ و ۸۶)

76. What is Mr Karimi going to study?



(شهریور ۸۸)

77. What is he going to do?



(شهریور ۸۷)

78. Where are they going to have lunch?



(دی ۸۷)



## D : L A N G U A G E F U N C T I O N S نقش‌های زبانی

۹- پاسخ صحیح سؤالات قسمت A را از بین جواب‌های قسمت B انتخاب کنید. (یک پاسخ اضافی است.)

- | A   | B  |
|---|--|
| 79. How often does Ali visit his grandfather? | a. Twice a week. (فرداد ۹۰)              |
| 80. How often do you travel to Tabriz?        | b. Half an hour. (فرداد ۸۶)              |
| 81. How often does your son have chemistry?   | c. Twice a year. (دی ۸۶)                 |
| 82. How often do you go to the cinema?        | d. I go once a week. (شهریور ۸۶)         |
| 83. I go to the library once a week.          | e. Really? I like to go every two weeks. |
|   | f. He visits him twice a week.           |
| A   | B  |
| 84. How often do you have theology?           | a. Three times a day. (فرداد ۸۹)         |
| 85. How often do you go to the dentist?       | b. Twice a week. (شهریور ۸۸)             |
| 86. How often do you brush your teeth?        | c. He goes once a month. (فرداد ۸۱)      |
| 87. I like to wash my car twice a month.      | d. Twice a year.                         |
| 88. I have math twice a week.                 | e. And what about biology?               |
|   | f. That's probably a good idea.          |

## E : P R O N U N C I A T I O N تلفظ

۱۰- کدام کلمه از نظر تلفظ s یا es پایان کلمه با سه کلمه‌ی دیگر متفاوت است؟

- |               |             |           |                       |
|---------------|-------------|-----------|-----------------------|
| 89. a) coughs | b) students | c) blocks | d) pencils (فرداد ۹۰) |
| 90. a) prizes | b) washes   | c) foes   | d) places (فرداد ۹۰)  |
| 91. a) uses   | b) finishes | c) writes | d) teaches (فرداد ۸۹) |
| 92. a) rooms  | b) writes   | c) walls  | d) jobs (فرداد ۸۸)    |
| 93. a) walls  | b) boys     | c) keeps  | d) farms (فرداد ۸۷)   |
| 94. a) washes | b) repairs  | c) uses   | d) teaches (فرداد ۸۷) |

## F : C O M P R E H E N S I O N درک مطلب

۱۱- با توجه به مفهوم جملات، گزینه‌ی صحیح را انتخاب کنید.

95. Your average was very low last year. Try to improve it. These sentences say ..... (فرداد ۸۹)
- |                                     |                                      |
|-------------------------------------|--------------------------------------|
| a) your average is better this year | b) you were a good student last year |
| c) you didn't study hard before     | d) you were studying well last year  |
96. At the end of the experiment, families wanted to have TV back in their homes. It means that ..... (شهریور ۸۹)
- |   |
|---|
| a) they wanted to have TV at the back of their houses |
| b) they wanted to come back to their houses with TV   |
| c) they didn't like to have TV in their homes         |
| d) they wanted to have TV in their homes again        |

- 97. There are a lot of interesting places in Isfahan for tourists to visit. It means that ..... .** (فرداد ۸۸)
- a) many tourists are from Isfahan                                      b) tourists are interesting people  
c) tourists are forbidden to visit Isfahan                                d) tourists have a wide choice in Isfahan
- 98. Four of the forty-four families found that the family life simply couldn't continue without TV, and they left the experiment. This sentence means that ..... .** (دی ۸۷، فرداد و شهریور ۸۳)
- a) it was possible for all families to continue the experiment      b) all families left the experiment  
c) not all families could live without TV                                d) it was easy for all families to live without TV
- 99. In some countries, people can choose between as many as forty different TV channels, so in these countries, people ..... .** (شهریور ۸۷ و فرداد ۸۴)
- a) can't watch different TV programs                                      b) have a wide choice  
c) must watch all TV programs    d) can watch just a few TV channels
- 100. At the end of the experiment, most of the families said that in future they would watch only certain programs and not allow their lives to be influenced by TV. This sentence means that families decided ..... .** (فرداد ۸۶ و ۸۳)
- a) not to watch TV programs at all    b) to let TV influence their lives  
c) to watch only some TV programs    d) to do certain experiments in future
- 101. Dinner times were more relaxed without the pressure of TV. According to this sentence, without TV, families were more relaxed ..... .** (دی ۸۶)
- a) after eating dinner                      b) before dinner time                      c) while eating dinner                      d) until dinner time
- 102. For families with children, a big problem is getting the children away from the television to do their homework. It means that ..... .** (شهریور ۸۵)
- a) children are not interested in watching TV                                b) getting children away from TV is difficult  
c) children prefer doing homework to watching TV                             d) families like to do their children's homework

۱۲- متن زیر را بخوانید و جاهای خالی جملات را با گزینه‌های داده شده کامل کنید.

Today there is a television set in almost every house. Television has a big .....<sup>103</sup>..... on the lives of most of us. We .....<sup>104</sup>..... hours every week watching TV programs. Although television is a cheap way to get .....<sup>105</sup>..... and helps us to know the world better, it has some .....<sup>106</sup>..... negative effects on our behaviour. For example it makes family members .....<sup>107</sup>..... among themselves and students may have .....<sup>108</sup>..... time to do their homework.

- |                            |              |               |                |
|----------------------------|--------------|---------------|----------------|
| <b>103.</b> a) channel     | b) influence | c) success    | d) observation |
| <b>104.</b> a) continue    | b) finish    | c) avoid      | d) spend       |
| <b>105.</b> a) information | b) migration | c) invitation | d) emotion     |
| <b>106.</b> a) comfortable | b) single    | c) strong     | d) suitable    |
| <b>107.</b> a) struggle    | b) relax     | c) hold       | d) employ      |
| <b>108.</b> a) free        | b) low       | c) exact      | d) less        |

There are few homes in the United States today that do not have either a radio or television .....<sup>109</sup> . Both of them have become a/an .....<sup>110</sup> part of our daily life, giving us the news of the day, .....<sup>111</sup> us in many different fields of interest, and amusing us in many .....<sup>112</sup> kinds of hobbies. It has had a great .....<sup>113</sup> on the life of people everywhere. It permits us to see and hear the performer. TV is a .....<sup>114</sup> of communication. (شہزاد ۸۶)



- |                    |                |              |                |
|--------------------|----------------|--------------|----------------|
| 109. a) set        | b) program     | c) series    | d) action      |
| 110. a) honest     | b) important   | c) dangerous | d) boring      |
| 111. a) forbidding | b) frightening | c) educating | d) controlling |
| 112. a) different  | b) difficult   | c) careful   | d) worried     |
| 113. a) fortune    | b) task        | c) effect    | d) case        |
| 114. a) field      | b) means       | c) fact      | d) scene       |

۱۳- متن زیر را بخوانید و به سؤالات به صورت خواسته شده پاسخ دهید.

John came from England to France with his wife one year to find work. He got a good job with a big car factory. As he didn't eat food in the restaurants or didn't smoke, he had quite a lot of money. His wife's parents were still in England and one day she got a telegram to say that her mother was ill. So John gave her some money, and she went to England to see her mother.

After a week, John wanted to write a letter to her, but he couldn't read or write very well, so he went to the boss of the factory and asked him to do it for him. John told the boss what he wanted to say, and the boss wrote it down. After a few minutes, John stopped, and the boss said, "Do you want to say anything else?"

"Only, please excuse the bad handwriting and spelling." John said.

(فرداد ۸۴)

115. Why did John come to France?

116. Did John's wife come to France with him?

117. What did John want to do a week later?

118. John didn't spend all his money. a) True b) False

119. John went to England to see his wife's mother because she was ill. a) True b) False

What do you do at the weekend? Some people like to stay at home, but others like to go for a walk or play football. My friend, Jack, works hard in a factory during the week. At the weekend, he always does the same thing. On Saturday, he washes his car and on Sunday, he goes with his family to a village in the country. His uncle and aunt have a farm there. It isn't a big one, but there is always so much to do on a farm. The children help with the animals and give them their food. Jack and his wife help in the field. At the end of the day, they all are hungry and Jack's aunt gives them a big meal.

(دی ۸۵)

120. Where and how does Jack work?

121. What do you do at the weekend?

122. Where does Jack take his family on Sundays?

123. In line "5", them refers to the .....

- |             |           |            |             |
|-------------|-----------|------------|-------------|
| a) children | b) people | c) animals | d) holidays |
|-------------|-----------|------------|-------------|

124. Jack works on a farm during the week. a) True b) False

125. At the end of the day, his aunt gives them their food. a) True b) False



## پاسخنامه‌ی تشریحی

viewers – hundreds – ۳	eyesight – pressure – ۲	period – experiment – ۱
practice – average – ۶	eyesight – effect – ۵	certain – future – ۴
choice – theaters – ۹	single – channels – ۸	pressure – struggle – ۷
influence – health – ۱۲	worried – average – ۱۱	influence – suitable – ۱۰
<p>۱۳ – allow ما هیچ جا در ساختمان به افراد اجازه نمی‌دهیم که سیگار بکشند.</p>		
<p>۱۴ – experiment آن‌ها دارند آزمایش انجام می‌دهند تا به دلیل آن بیماری پی ببرند.</p>		
<p>do an experiment آزمایش کردن / انجام دادن</p>		
<p>۱۵ – struggle وقتی خواهرهایش بر سر برنامه‌های تلویزیون نزاع می‌کنند او تلویزیون را خاموش می‌کند.</p>		
<p>۱۶ – average معدل او خیلی پایین بود. او با تلاش بیش‌تری (سخت‌تر) درس خواند و آن را بهتر کرد.</p>		
<p>۱۷ – pressure فشار زندگی شهری او را وادار کرد تا شبانه روز کار کند.</p>		
<p>۱۸ – worried اگر نگران امتحانات نهایی خود هستید، باید با تلاش بیش‌تری درس بخوانید.</p>		
<p>۱۹ – eyesight والدین باید مراقب بینایی فرزندان خود باشند.</p>		
<p>be careful about مراقب ... بودن</p>		
<p>۲۰ – influence فیلم درباره‌ی جنگ بر بینندگان تأثیر خوبی گذاشت.</p>		
<p>have an influence on بر ... تأثیر داشتن / گذاشتن</p>		
<p>۲۱ – struggle جنگ طولانی بین دو کشور به مدت ده سال ادامه داشته است.</p>		
<p>۲۲ – effect صحبت کردن با تلفن برای مدت زمان طولانی تأثیر بدی روی گوش‌های شما دارد.</p>		
<p>have an effect on روی ... تأثیر داشتن</p>		
<p>۲۳ – improve امروزه بسیاری از مردم بر این باورند که آن فن‌آوری می‌تواند زندگی روزانه ما را بهبود بخشد.</p>		
<p>۲۴ – choose شما باید فقط سه سؤال از سؤالات امتحان را برای پاسخ دادن انتخاب کنید.</p>		
<p>۲۵ – suitable فکر می‌کنم زمستان زمان مناسبی برای شنا در دریا نیست.</p>		
<p>۲۶ – relaxed «پدرت جمع‌هی گذشته چه کار کرد؟» «او در خانه ماند و استراحت کرد.»</p>		
<p>۲۷ – certain «آیا همه‌ی گیاهان برای خوردن خوب هستند؟» «نه، گیاهان خاصی برای خوردن خوب هستند.»</p>		
<p>۲۸ – influenced شما نباید اجازه دهید زندگی‌تان تحت تأثیر فوتبال قرار گیرد.</p>		
<p>۲۹ – cloudy او به اطراف نگاه کرد اما خیابان‌ها خالی بودند و آسمان ابری بود.</p>		
<p>۳۰ – powerful او شخص قدرتمندی است بنابراین او می‌تواند به شما کمک کند تا میز را جابجا کنید.</p>		
<p>۳۱ – harmful خوردن بیش از حد شکلات برای دندان‌هایتان مضر است.</p>		



- ۳۲-wonderful او نویسنده‌ی بزرگی است. داستان جدیدش واقعاً عالی است.  
**توضیح** در این جمله، صفت wonderful بعد از فعل ربطی (is) آمده است. توجه داشته باشید که قید really فقط بین آن‌ها فاصله انداخته است. در هر صورت، در این جمله به صفت نیاز داریم چون که بعد از فعل ربطی، صفت می‌آید.
- ۳۳-snowy دوست دارم در یک صبح برفی مانند امروز پیاده‌روی کنم.
- ۳۴-rainy به مدت دو روز هوا خشک بود، اما امروز بارانی است.
- ۳۵-sunny من دوست ندارم در چنین بعدازظهر آفتابی در خانه بمانم.
- ۳۶-careful او همه کار را خیلی خوب انجام می‌دهد. او بسیار دقیق است.
- ۳۷-colorful باغ‌ها در (فصل) بهار و تابستان رنگارنگ هستند.
- ۳۸-watery دیشب فقط مقداری سوپ آبکی خوردم.
- ۳۹-housewife زن متأهلی که در خانه، کار آشپزی، نظافت و غیره می‌کند اما بیرون از خانه شغلی ندارد خانم خانه‌دار نامیده می‌شود.
- ۴۰-channel من و خواهرم هر شب با هم کانال دو، کارتون تماشا می‌کنیم.
- ۴۱-choice شما مجبورید از بین این دو کلاه (یکی را) انتخاب کنید. شما می‌توانید فقط یکی از آن‌ها را انتخاب کنید.  
**توضیح** make a choice = choose انتخاب کردن
- ۴۲-effect تماشای بیش از حد تلویزیون ممکن است تأثیر بدی روی بینایی کودکان داشته باشد.  
**توضیح** have an effect on sb / sth روی کسی / چیزی تأثیر داشتن
- ۴۳-cinema مکانی که در آن‌جا فیلم نمایش داده می‌شود سینما است.  
**توضیح** ۱) movie فیلم ۲) the movies سینما ۳) movie theater سینما
- ۴۴-viewer کسی که برنامه‌های تلویزیون را تماشا می‌کند، بیننده‌ی تلویزیون نامیده می‌شود.
- ۴۵-free او در وقت آزادش در خانه می‌ماند و استراحت می‌کند.
- ۴۶-set تلویزیون ما کار نمی‌کرد. بنابراین یک دستگاه تلویزیون جدید خریدیم.
- ۴۷-viewers اگر برنامه‌ی تلویزیونی جالب نباشد، بینندگان زیادی نخواهد داشت.
- ۴۸-eyesight توانایی دیدن بینایی نامیده می‌شود.
- ۴۹-گزینه‌ی «a» آیا علی می‌داند آن‌ها دیروز چه کسی را در جلسه ملاقات کردند؟  
**توضیح** در بند اسمی، بعد از کلمه‌ی پرسشی (در این‌جا whom) ساختار خبری داریم، بنابراین گزینه‌های «c» و «d» به دلیل سؤالی بودن، صحیح نیستند. با توجه به قید زمان گذشته (yesterday)، فعل گذشته (met) صحیح است.
- ۵۰-گزینه‌ی «b» مینا معمولاً صبحانه شیر می‌خورد. امروز او قصد دارد صبحانه قهوه بخورد.  
**توضیح** از ساختار «be going to» برای بیان قصد انجام عملی در آینده‌ی قطعی به کار می‌رود.
- ۵۱-گزینه‌ی «d» «او همین الان دارد چه چیزی می‌پزد؟» «نمی‌دانم او دارد چه چیزی می‌پزد.»  
**توضیح** در جمله‌ی سؤالی (جمله‌ی اول)، بعد از کلمه‌ی پرسشی (در این‌جا what)، ساختار سؤالی (is she cooking) داریم اما در بند اسمی (جمله‌ی دوم)، بعد از کلمه‌ی پرسشی (در این‌جا what)، ساختار خبری (she is cooking) داریم.
- ۵۲-گزینه‌ی «c» آیا می‌دانی چرا دیروز تیم‌مان بازی را باخت؟
- ۵۳-گزینه‌ی «d» «آیا دندان‌هایت را مسواک زده‌ای؟» «هنوز نه. قصد دارم بعداً آن‌ها را مسواک بزنم.»
- ۵۴-گزینه‌ی «c» «برنامه‌ی شما برای تعطیلات آخر هفته چیست؟» «قصد دارم در خانه استراحت کنم.»  
**توضیح** ساختار «be going to» برای بیان قصد انجام عملی در آینده‌ی نزدیک به کار می‌رود:

شکل ساده‌ی فعل + am / is / are + going to



- ۵۵- گزینهی «c» «آن‌ها او را کجا ملاقات می‌کنند؟» «من نمی‌دانم آن‌ها کجا او را ملاقات می‌کنند.»  
**توضیح** ۱) در بند اسمی بعد از کلمات پرسشی (در این جا where)، فقط ساختار خبری به کار می‌رود. (دلیل نادرستی گزینه‌های «a» و «b»)  
 ۲) جمله‌ی اول (به دلیل وجود فعل کمکی do) در زمان حال ساده است، بنابراین گزینه‌ی «c» (زمان حال ساده) صحیح است.
- ۵۶- گزینهی «c» «کفش‌های شما کثیف هستند.» «بله، می‌دانم. قصد دارم به زودی آن‌ها را تمیز کنم.»  
**توضیح** ۱) قید soon با زمان آینده به کار می‌رود.  
 ۲) ساختار «be going to» برای بیان قصد انجام کاری در آینده‌ی نزدیک به کار می‌رود، بنابراین گزینه‌ی «c» صحیح است.
- ۵۷- گزینهی «a» «او چه مدت خواهد ماند؟» «ما نمی‌دانیم او چه مدت خواهد ماند.»
- ۵۸- گزینهی «a» «او چه موقع خانه را ترک می‌کند؟» «ما نمی‌دانیم او چه موقع خانه را ترک می‌کند.»  
**توضیح** در بند اسمی بعد از کلمه‌ی پرسشی (در این جا when) ساختار خبری داریم، لذا ساختار پرسشی صحیح نیست. (دلیل نادرستی گزینه‌های «b» و «d»)  
 با توجه به این‌که جمله اول در زمان حال ساده است (با توجه به فعل کمکی does)، جمله‌ی دوم نیز باید در زمان حال ساده باشد. (دلیل نادرستی گزینه‌ی «c»)
- ۵۹- گزینهی «d» «او کلیدها را کجا گذاشت؟» «او نمی‌توانست به یاد بیاورد آن‌ها را کجا گذاشته است.»
- ۶۰- گزینهی «c» به آسمان ابری نگاه کن. به زودی می‌خواهد باران بیاید.  
**توضیح** برای پیش‌بینی عملی که نشانه‌هایی از وقوعش در زمان حال وجود دارد از ساختار «be going to» استفاده می‌شود.
- ۶۱- او قصد دارد ناهار یک ساندویچ بخورد. He is going to have a sandwich for lunch.
- ۶۲- پدرم قصد دارد روز جمعه اتومبیلش را تعمیر کند. My father is going to repair his car on Friday.
- ۶۳- به یاد نمی‌آورم او چه گفت. I don't remember what he said.
- ۶۴- نمی‌دانم او چه موقع عمویش را ملاقات خواهد کرد. I don't know when he will meet his uncle.
- ۶۵- قصد داری برای صبحانه چند تخم‌مرغ آب‌پز کنی؟ How many eggs are you going to boil for breakfast?
- ۶۶- می‌دانی او کجا این نامه را نوشته است؟ Do you know where he has written this letter?
- ۶۷- جمله‌ی انگلیسی باید کجا نوشته شود؟  
 «We don't know where the English sentence should be written.»  
 «ما نمی‌دانیم جمله‌ی انگلیسی باید کجا نوشته شود.»
- ۶۸- «او دیشب به برادرش چه گفت؟»  
 «به خاطر نمی‌آورم او دیشب به برادرش چه گفت.»
- ۶۹- دوست شما کجا کار می‌کند؟  
 «من نمی‌دانم دوستم (او) کجا کار می‌کند.»
- ۷۰- «چرا خواهرت آن شغل را دوست داشت؟»  
 «نمی‌دانم چرا خواهرم (او) آن شغل را (آن را) دوست داشت.»
- ۷۱- «مادرت چه کسی را به مهمانی دعوت کرد؟»  
 «نمی‌دانم مادرم (او) چه کسی را به مهمانی دعوت کرد.»
- ۷۲- «علی چه موقع عمویش را ملاقات خواهد کرد؟»  
 «نمی‌دانم علی (او) چه موقع عمویش را (او را) ملاقات خواهد کرد.»



- ۷۳- او قصد دارد چه کار کند؟  
او قصد دارد از درخت بالا برود.  
He is going to climb (up) the tree.
- ۷۴- او چگونه قصد دارد به تبریز مسافرت کند؟  
او قصد دارد با قطار به آنجا (به تبریز) سفر کند.  
He is going to travel there (to Tabriz) by train.
- ۷۵- دخترها قصد دارند چه کار کنند؟  
آنها قصد دارند پینگ پنگ بازی کنند.  
They are going to play ping-pong.
- ۷۶- آقای کریمی قصد دارد چه چیزی بخواند؟  
او قصد دارد فیزیک بخواند.  
He is going to study physics.
- ۷۷- او قصد دارد چه کار کند؟  
او قصد دارد ماشین بشوید.  
He is going to wash the car.
- ۷۸- آنها قصد دارند کجا نهار بخورند؟  
آنها قصد دارند در رستوران نهار بخورند.  
They are going to have lunch at (in) the restaurant.
- ۷۹- چند وقت به چند وقت علی پدر بزرگش را ملاقات می کند؟ (f) هفته ای دو بار او را ملاقات می کند.  
چند وقت به چند وقت به تبریز مسافرت می کنید؟ (c) سالی دو بار.
- ۸۰- چند وقت به چند وقت پسر شیمی دارد؟ (a) هفته ای دو بار.  
چند وقت به چند وقت به سینما می روید؟ (d) هفته ای یک بار می روم.
- ۸۱- هفته ای یک بار به کتابخانه می روم. (e) واقعاً؟ من دوست دارم هر دو هفته بروم.  
چند وقت به چند وقت الهیات دارید؟ (b) هفته ای دو بار.
- ۸۲- چند وقت به چند وقت نزد دندانپزشک می روی؟ (d) سالی دو بار.  
چند وقت به چند وقت دندان هایت را مسواک می زنی؟ (a) روزی سه بار.
- ۸۳- من دوست دارم ماهی دو بار ماشینم را بشویم. (f) شاید فکر خوبی باشد.  
دو بار در هفته ریاضی دارم. (e) و زیست شناسی چه طور؟
- ۸۴- pencils صدای /z/ ولی در بقیه صدای /s/ می دهد.  
۸۵- foes صدای /z/ ولی در بقیه صدای /z/ می دهد.  
۸۶- writes صدای /s/ ولی در بقیه صدای /z/ می دهد.  
۸۷- writes صدای /s/ ولی در بقیه صدای /z/ می دهد.  
۸۸- keeps صدای /s/ ولی در بقیه صدای /z/ می دهد.  
۸۹- repairs صدای /z/ ولی در بقیه صدای /z/ می دهد.
- ۹۰- سال گذشته معدل شما خیلی پایین بود. سعی کنید آن را بهتر کنید. این جمله ها بیان می دارند که شما قبلاً سخت درس نمی خواندید.  
۹۱- در پایان آزمایش، خانواده ها خواستند که تلویزیون را به خانه هایشان برگردانند. این بدان معنی است که آنها خواستند دوباره در خانه هایشان تلویزیون داشته باشند.  
۹۲- مکان های جالب زیادی در اصفهان برای توریست ها وجود دارد تا از آن دیدن کنند. این بدان معنی است که در اصفهان توریست ها انتخاب گسترده ای دارند.  
۹۳- چهار خانواده از چهل و چهار خانواده متوجه شدند که زندگی خانوادگی ابداً بدون تلویزیون نمی تواند ادامه پیدا کند و آنها آزمایش را رها کردند. این جمله بدان معنی است که همه ی خانواده ها نتوانستند بدون تلویزیون زندگی کنند.
- ۹۴- گزینه ی «d»  
۹۵- گزینه ی «c»  
۹۶- گزینه ی «c»  
۹۷- گزینه ی «b»  
۹۸- گزینه ی «c»  
۹۹- گزینه ی «d»  
۱۰۰- گزینه ی «c»

۹۹- گزینه‌ی «b» در بعضی کشورها، مردم می‌توانند از میان (تا) چهل کانال مختلف انتخاب کنند، بنابراین در این کشورها، مردم انتخاب گسترده‌ای دارند.

۱۰۰- گزینه‌ی «c» در پایان آزمایش، بیش‌تر خانواده‌ها گفتند که در آینده تنها برنامه‌های معینی را تماشا خواهند کرد و اجازه نخواهند داد که زندگی‌شان تحت تأثیر تلویزیون قرار گیرد. این جمله بدان معنی است که خانواده‌ها تصمیم گرفتند فقط بعضی از برنامه‌های تلویزیون را تماشا کنند.

۱۰۱- گزینه‌ی «c» بدون فشار تلویزیون، اوقات (صرف) غذا آرام‌تر بود. طبق این جمله، بدون تلویزیون، هنگام غذا خوردن خانواده‌ها آسوده‌تر بودند.

۱۰۲- گزینه‌ی «b» برای خانواده‌های بچه‌دار، دور کردن بچه‌ها از تلویزیون به منظور انجام دادن تکالیفشان، مشکل بزرگی است. این (جمله) بدان معنی است که دور کردن بچه‌ها از تلویزیون دشوار است.

#### ترجمه‌ی متن

امروزه تقریباً در هر خانه‌ای یک دستگاه تلویزیون وجود دارد. تلویزیون تأثیر بزرگی در زندگی اکثر ما دارد. ما هر هفته ساعت‌ها به تماشای برنامه‌های تلویزیون صرف می‌کنیم. اگرچه تلویزیون شیوه‌ای ارزان برای کسب اطلاعات است و به ما کمک می‌کند جهان را بهتر بشناسیم، آن تأثیر منفی زیادی بر رفتارمان دارد. برای مثال باعث می‌شود اعضای خانواده بین خودشان نزاع داشته باشند و ممکن است دانش‌آموزان وقت کم‌تری برای انجام تکالیفشان داشته باشند.

۱۰۳- گزینه‌ی «b»	(a) کانال	(b) تأثیر	(c) موفقیت	(d) مشاهده
۱۰۴- گزینه‌ی «d»	(a) ادامه دادن	(b) تمام کردن	(c) از ... اجتناب کردن	(d) [وقت] صرف کردن، گذراندن
۱۰۵- گزینه‌ی «a»	(a) اطلاعات	(b) مهاجرت	(c) دعوت	(d) احساس، احساسات
۱۰۶- گزینه‌ی «c»	(a) راحت	(b) تک، [زن، مرد] مجرد	(c) قوی، شدید، زیاد	(d) مناسب
۱۰۷- گزینه‌ی «a»	(a) نزاع کردن	(b) استراحت کردن	(c) نگه داشتن	(d) استخدام کردن
۱۰۸- گزینه‌ی «d»	(a) آزاد، رایگان	(b) پایین، کم	(c) دقیق	(d) کم‌تر

#### ترجمه‌ی متن

امروزه در ایالات متحده، خانه‌های کمی وجود دارد که یک دستگاه رادیو یا تلویزیون نداشته باشند. هر دوی آن‌ها بخش مهمی از زندگی روزانه‌ی ما شده‌اند، اخبار روز را به ما می‌دهند، رشته‌های مورد علاقه‌ی زیادی را به ما آموزش می‌دهند و ما را با انواع مختلف زیادی از سرگرمی‌ها سرگرم می‌کنند. در همه جا تأثیر زیادی بر روی زندگی مردم داشته است. به ما این امکان را می‌دهد تا صدای مجری را بشنویم و او را ببینیم. تلویزیون یک وسیله‌ی ارتباطی است.

۱۰۹- گزینه‌ی «a»	(a) دستگاه (رادیو / تلویزیون)	(b) برنامه	(c) رشته، سری	(d) عمل، اقدام
۱۱۰- گزینه‌ی «b»	(a) راستگو، صادق	(b) مهم	(c) خطرناک	(d) کسل کننده
۱۱۱- گزینه‌ی «c»	(a) ممنوع کردن	(b) ترساندن	(c) آموزش دادن	(d) کنترل کردن
۱۱۲- گزینه‌ی «a»	(a) مختلف، متفاوت	(b) سخت، مشکل	(c) مراقب	(d) نگران
۱۱۳- گزینه‌ی «c»	(a) شانس	(b) وظیفه	(c) اثر، تأثیر	(d) مورد
۱۱۴- گزینه‌ی «b»	(a) رشته، مزرعه	(b) وسیله	(c) حقیقت	(d) صحنه



## ترجمه‌ی متن

یک سال جان همراه با همسرش برای پیدا کردن کار از انگلستان به فرانسه آمد. او کار خوبی در یک کارخانه‌ی بزرگ اتومبیل‌سازی پیدا کرد. از آنجایی که او در رستوران غذا نمی‌خورد یا سیگار نمی‌کشید، تقریباً پول زیادی داشت. والدین همسرش هنوز در انگلستان بودند و روزی او (همسرش) یک پیام تلگرافی با این مضمون که مادرش مریض است دریافت کرد. بنابراین جان به او مقداری پول داد و او برای دیدن مادرش به انگلستان رفت. بعد از یک هفته، جان خواست نامه‌ای برای همسرش بنویسد اما او نمی‌توانست خیلی خوب بخواند یا بنویسد، بنابراین نزد رئیس کارخانه رفت و از او خواست که این کار را برای او انجام دهد. جان هرچه را که می‌خواست بگوید به رئیس گفت، و رئیس آن را نوشت. بعد از چند دقیقه، جان مکث کرد و رئیس گفت: «آیا می‌خواهی چیز دیگری بگویی؟»

جان گفت: «فقط، لطفاً از دست‌خط و املاي بد، چشم‌پوشی کنید.»

-۱۱۵

چرا جان به فرانسه آمد؟

He came to France to find work (a job).

او برای پیدا کردن کار به فرانسه آمد.

OR:

He came to France because he wanted to find work (a job).

او به فرانسه آمد چون می‌خواست کار پیدا کند.

-۱۱۶

آیا همسر جان همراه او به فرانسه آمد؟

Yes, she came to France with him.

بله، او همراه او به فرانسه آمد.

-۱۱۷

جان یک هفته بعد خواست چه کار کند؟

He wanted to write a letter to his wife a week later. او یک هفته بعد خواست نامه‌ای برای همسرش بنویسد.

True -۱۱۸

جان تمام پولش را خرج نمی‌کرد.

False -۱۱۹

جان برای دیدن مادر زنش به انگلستان رفت چون او بیمار بود.

## ترجمه‌ی متن

شما در تعطیلات پایان هفته چه کار می‌کنید؟ برخی از مردم دوست دارند در خانه بمانند، اما دیگران دوست دارند پیاده‌روی یا فوتبال بازی کنند. دوستم، جک، در طول هفته در یک کارخانه سخت کار می‌کند. در آخر هفته، همیشه همان کار را انجام می‌دهد. روز شنبه اتومبیلش را می‌شوید و در روز یکشنبه، با خانواده‌اش به روستایی در حومه شهر می‌رود. عمو و عمه‌اش آنجا مزرعه‌ای دارند. مزرعه‌ی بزرگی نیست، اما همیشه کار زیادی برای انجام دادن در مزرعه وجود دارد. بچه‌ها به حیوانات کمک می‌کنند و به آن‌ها غذا می‌دهند. جک و همسرش در مزرعه کمک می‌کنند. در پایان روز همه گرسنه می‌شوند و عمه‌ی جک به آن‌ها غذای مفصلی می‌دهد.

-۱۲۰

جک کجا و چه‌طور کار می‌کند؟

He works hard in a factory.

او در کارخانه‌ای سخت کار می‌کند.

-۱۲۱

شما در تعطیلات آخر هفته چه کار می‌کنید؟

I stay at home and watch TV.

در خانه می‌مانم و تلویزیون تماشا می‌کنم.

-۱۲۲

یکشنبه‌ها، جک خانواده‌اش را کجا می‌برد؟

He takes his family to a village in the country. او خانواده‌اش را به روستایی در حومه‌ی شهر می‌برد.

-۱۲۳ گزینیه‌ی «C»

در سطر «۵» کلمه them به animals (حیوانات) اشاره دارد.

False -۱۲۴

جک در طول هفته در مزرعه کار می‌کند.

True -۱۲۵

در پایان روز، عمه‌اش غذایشان را به آن‌ها می‌دهد.



## تست‌های درس اول

### A: Grammar

1. Does Mary know whom ..... at the last party? (سراسری انسانی- ۸۸)  
 1) they met                      2) they meet                      3) do they meet                      4) did they meet
2. "Do you remember what ..... ?" "Yes, I do." (سراسری انسانی- ۸۷)  
 1) the teacher says                      2) the teacher said                      3) did the teacher say                      4) does the teacher say
3. Please may I go outside? I think ..... sick. (آزمایشی سنجش- ۸۷)  
 1) I am being                      2) I'm going to be                      3) I was going                      4) I'm going
4. Do you really know the time when ..... the laboratory? (آزمایشی سنجش- ۸۷)  
 1) Reza left                      2) did Reza leave                      3) left Reza                      4) Reza did leave
5. Do you know ..... ? (سراسری زبان- ۸۵)  
 1) where John lives                      2) where lives John                      3) John lives where                      4) where does John live
6. There's a good program on channel three at eleven o'clock tonight. .... it? (آزمایشی سنجش- ۸۴)  
 1) Do you watch                      2) Did you watch                      3) Have you watched                      4) Are you going to watch
7. The man can't see where he is going. He ..... into the hole. (آزمایشی سنجش- ۸۳)  
 1) is falling                      2) is going to fall                      3) falls                      4) has fallen
8. Zahra's mother came into the room and asked her what ..... doing. (سراسری انسانی)  
 1) is she                      2) she is                      3) she was                      4) was she
9. He wanted to know how old ..... . (سراسری تجربی)  
 1) my uncle was                      2) was my uncle                      3) my uncle had                      4) did my uncle have
10. "What is he doing?" "I can't understand ..... doing." (سراسری انسانی)  
 1) what he was                      2) what was he                      3) what is he                      4) what he is

### B: Vocabulary

11. Ask him. He will ..... lend you the money you need. (سراسری زبان- ۹۰)  
 1) recently                      2) certainly                      3) powerfully                      4) wonderfully
12. All of the performers played ..... in the concert. (سراسری ریاضی- ۸۹)  
 1) colorfully                      2) mainly                      3) wonderfully                      4) probably
13. Researchers need to conduct further ..... on this substance. (سراسری تجربی- ۸۹)  
 1) experiments                      2) entertainments                      3) competitions                      4) inventions
14. He kept talking to me and I couldn't ..... him. (سراسری زبان- ۸۹)  
 1) take part in                      2) make up of                      3) take away from                      4) get away from
15. Doctors ..... that the disease only occurs in women over 50. (سراسری زبان- ۸۹)  
 1) observed                      2) chose                      3) struggled                      4) behaved
16. They moved to the village to get rid of the ..... of urban life. (سراسری فارغ از کشور- ۸۹)  
 1) experiments                      2) pressures                      3) researches                      4) practices



17. Only that kind of medicine will have quite a good effect on me. "Effect" means ..... (سراسری ریاضی - ۸۸)

- 1) average                      2) pressure                      3) research                      4) influence

18. Research has shown that weather can ..... people's behavior. (سراسری انسانی - ۸۷)

- 1) introduce                      2) influence                      3) struggle                      4) practice

19. People's ..... usually becomes weak as they grow older. (سراسری هنر - ۸۵)

- 1) eyesight                      2) interest                      3) viewer                      4) research

20. What are the ..... of hot weather on our environment? (سراسری ریاضی - ۸۵)

- 1) averages                      2) effects                      3) choices                      4) reports

21. What ..... of history are you interested in? (آزمایشی سنجش - ۸۵)

- 1) skill                      2) pressure                      3) practice                      4) period

22. I'm not going to talk to him unless he starts ..... reasonably. (آزمایشی سنجش - ۸۵)

- 1) behaving                      2) climbing                      3) worrying                      4) improving

23. We had a(n) ..... between the mountains and the seashore for our vacation. (آزمایشی سنجش - ۸۵)

- 1) action                      2) interest                      3) choice                      4) pressure

24. Write your ..... of the experiment in your notebook. (آزمایشی سنجش - ۸۵)

- 1) importance                      2) observation                      3) conversation                      4) influence

25. Scientists are still ..... into the causes of cancer. (سراسری هنر - ۸۴)

- 1) choosing                      2) creating                      3) researching                      4) observing

26. Anyone ..... joining in the club should contact us at the address below. (سراسری هنر - ۸۴)

- 1) interested in                      2) careful about                      3) responsible for                      4) influenced by

27. After a long ....., she finally managed to complete the course. (آزمایشی سنجش - ۸۴)

- 1) struggle                      2) choice                      3) pattern                      4) advice

28. His behaviour towards me has been much better ..... (آزمایشی سنجش - ۸۴)

- 1) perfectly                      2) successfully                      3) brightly                      4) recently

29. What's the matter with Ali? He seems to be ..... something. (آزمایشی سنجش - ۸۴)

- 1) similar to                      2) responsible for                      3) worried about                      4) careful about

30. This cinema offers a ..... of six different films every night. (آزمایشی سنجش - ۸۴)

- 1) music                      2) program                      3) choice                      4) channel

31. These students were examined in 5 subjects. An ..... of 20 students took the exam in each subject. (آزمایشی سنجش - ۸۴)

- 1) object                      2) aspect                      3) effect                      4) average

32. He had to cancel his weekend plan because of the ..... of work at the office. (سراسری زبان - ۸۳)

- 1) average                      2) ability                      3) pressure                      4) practice

33. He is one of the most powerful teachers in our school. "Powerful" is the opposite of ..... (آزمایشی سنجش - ۸۳)

- 1) strong                      2) sad                      3) tired                      4) weak

34. There have been so many good movies on TV recently. "Recently" means ..... (آزمایشی سنجش - ۸۳)

- 1) lately                      2) really                      3) lastly                      4) finally



### C: Cloze Test

In many cultures, people think that love and marriage go together – like bread and butter or meat and potatoes. They think that love is a/an .....<sup>35</sup> basis for marriage and that you should love the person you marry before you get married. In other cultures, .....<sup>36</sup>, a man and woman may not even know each .....<sup>37</sup> before their wedding day. Romantic love is not essential to marriage in these cultures. These people .....<sup>38</sup> that love will develop after the wedding if the marriage is a good one. Your .....<sup>39</sup> on love and marriage come from your culture. Have you ever thought about that? What are your ideas? (سراسری تیربی - ۹۰)

- |                 |            |              |                |
|-----------------|------------|--------------|----------------|
| 35. 1) previous | 2) extreme | 3) various   | 4) necessary   |
| 36. 1) whereas  | 2) however | 3) therefore | 4) whether     |
| 37. 1) others   | 2) another | 3) other     | 4) one another |
| 38. 1) devote   | 2) examine | 3) provide   | 4) expect      |
| 39. 1) views    | 2) senses  | 3) records   | 4) details     |

### D: Reading Comprehension

The economic and social changes of the past few decades have changed the European family. What was once normal – two parents, father employed, mother at home, stable financial situation – is now exceptional. Today, half of all marriages end in failure, and about half of all children spend several years in a single-parent family. Some mothers never marry again, some parents lose husband or wife through death, and some single women and men adopt children. It means that they decide to raise other people's children. Single mothers are greater in number than single fathers.

A single-parent family is at a greater risk for such negative outcomes as decline in income, poverty, and behavioral problems. Most single parents find it difficult to meet all their financial duties. A decrease in income may require them to move the family to a less expensive home in a different neighborhood, transfer the children from one school to another, and spend less money on goods.

While the pressures on the single-parent family are great, problems do not always occur. If a single mother can manage the different tasks of taking care of her children and herself, her family can not only survive but also advance a lot. (سراسری زبان - ۸۵)

#### 40. What is paragraph 1 mainly about?

- |   |   |
|---|---|
| 1) The problems of today's children             | 2) How to help single-parent families                 |
| 3) Recent economic and social changes in Europe | 4) The change in the structure of the European family |

#### 41. According to the passage, in the past a normal European family had .....

- |  |  |
|--|--|
| 1) so many children                    | 2) no financial problems                 |
| 3) people to take care of the children | 4) a father at work and a mother at home |

#### 42. All of the following are given in the passage as reasons why there are single-parent families EXCEPT .....

- |                                  |                                  |
|----------------------------------|----------------------------------|
| 1) increasing poverty            | 2) a father or mother dying      |
| 3) a mother never marrying again | 4) a single man adopting a child |

#### 43. The word "them" in line 9 refers to .....

- |           |             |                   |                      |
|-----------|-------------|-------------------|----------------------|
| 1) duties | 2) problems | 3) single parents | 4) negative outcomes |
|-----------|-------------|-------------------|----------------------|

#### 44. According to the passage, a single parent may transfer his or her child from one school to another when .....

- |                                   |  |
|-----------------------------------|--|
| 1) they move to another home      | 2) they have financial problems            |
| 3) they want to be close to shops | 4) their children do not do well at school |



## پاسخ‌نامه‌ی کلیدی

	1	2	3	4		1	2	3	4		1	2	3	4		1	2	3	4
1	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	12	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	23	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	34	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
2	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	13	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	24	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	35	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>
3	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	14	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	25	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	36	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
4	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	15	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	26	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	37	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
5	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	16	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	27	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	38	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>
6	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	17	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	28	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	39	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
7	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	18	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	29	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	40	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>
8	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	19	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	30	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	41	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>
9	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	20	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	31	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	42	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
10	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	21	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	32	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	43	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
11	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	22	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	33	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	44	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>

## ترجمه‌ی متن Cloze Test

در بسیاری از فرهنگ‌ها، مردم فکر می‌کنند که عشق و ازدواج، مثل نان و کره یا گوشت و سیب‌زمینی لازم و ملزوم یک‌دیگر هستند. آن‌ها فکر می‌کنند که عشق مبنای ضروری ازدواج است و این که شما قبل از ازدواج کردن باید آن شخصی را که با او ازدواج می‌کنید دوست داشته باشید. با وجود این، در سایر فرهنگ‌ها، ممکن است مرد و زن قبل از روز عروسی حتی یک‌دیگر را نشناسند. در این (گونه) فرهنگ‌ها، عشق رمانتیک برای ازدواج لازم نیست. این افراد امیدوار هستند که اگر ازدواج، ازدواج خوبی باشد، عشق پس از آن شکل خواهد گرفت. عقاید شما درباره‌ی عشق و ازدواج از فرهنگ‌تان نشأت می‌گیرد. آیا تاکنون در این باره فکر کرده‌اید؟ دیدگاه شما چگونه است؟

## ترجمه‌ی متن Reading Comprehension

تحولات اقتصادی و اجتماعی چند دهه‌ی اخیر، (ساختار) خانواده‌ی اروپایی را دگرگون ساخته‌اند. آن‌چه سابقاً معمول بود - (یعنی حضور) هر دوی والدین، پدر شاغل، مادر خانه‌دار، شرایط مالی باثبات - اکنون (چیزی) استثنائی است. امروزه، نیمی از همه‌ی ازدواج‌ها به شکست می‌انجامد و در حدود نیمی از کودکان سال‌های زیادی را در خانواده‌ی تک سرپرست سپری می‌کنند. برخی مادران دیگر هرگز ازدواج نمی‌کنند، عده‌ای از والدین، شوهر یا زن خود را بر اثر مرگ از دست می‌دهند و بعضی از زنان و مردان مجرد، کودکی را به فرزندپذیری قبول می‌کنند. این بدان معناست که آن‌ها تصمیم می‌گیرند فرزندان سایرین را بزرگ کنند. تعداد مادران مجرد بیش‌تر از پدران مجرد است.

یک خانواده‌ی تک سرپرست بیش‌تر در معرض خطر پیامدهای منفی نظیر کاهش درآمد، فقر و مشکلات رفتاری قرار دارد. اکثر والدین مجرد، مواجهه با همه‌ی مسئولیت‌های مالی‌شان را دشوار می‌یابند. کاهش درآمد ممکن است آنان را مجبور کند که خانواده را به منزلی ارزان‌تر در محله‌ای دیگر انتقال دهند، بچه‌ها را از مدرسه‌ای به مدرسه‌ی دیگر منتقل نمایند، و پول کم‌تری برای خرید کالاها خرج کنند.

اگرچه فشارها روی یک خانواده‌ی تک سرپرست زیاد است، (اما) مشکلات همیشه پیش نمی‌آیند. اگر مادری مجرد بتواند از عهده‌ی وظایف مختلف مراقبت از خود و فرزندانش بر بیاید، خانواده‌اش می‌تواند نه تنها زندگی خود را بچرخاند، بلکه به پیشرفت زیادی نیز دست یابد.